سرمقاله: صنعت نفت و قطار توسعه اقتصادی

حسن تاش، سید غلامحسین

برخی از اقتصاددانان توسعه بر این عقیده‏اند که کشورهای در حال توسعه فاقد توانایی لازم برای قرار دادن همزمان تمامی‏ بخشهای اقتصادی در مسیر توسعه هستند.به عقیدهء«هریشمن»(که‏ برای اولین بار تئوری رشد نامتعادل اقتصادی را به طور سیستماتیک عرضه نمود):

هیچ کشور در حال توسعه‏ای وجود ندارد که به اندازهء کافی‏ سرمایه و دیگر منابع لازم را داشته باشد که بتواند آن را به طور همزمان در تمام بخشهای اقتصادی به جریان بیندازد.بنابراین‏ سرمایه‏گذاری می‏بایستی در صنایع یا بخشهای منتخب اقتصادی‏ صورت گیرد تا رشد و صرفه‏جوییهای اقتصادی به حداکثر برسند. در این شرایط سرمایه‏گذارای در آن دسته از صنایع و بخشهای‏ اقتصادی که حداکثر فایدهء اجتماعی و اقتصادی را ایجاد کند، می‏تواند به مثابهء لوکوموتیو رشد اقتصادی عمل کند،به عبارت‏ دیگر می‏توان از منافع حاصل از سرمایه‏گذاری در صنایع یا بخش‏ پیشتاز منابع لازم برای سرمایه‏گذاری در سایر صنایع یا بخشهای‏ اقتصادی را فراهم کرد.

اما از نظر طرفداران نظریهء«رشد نامتعادل»،بخش منتخب و پیشتاز باید شرایط خاصی را حائز باشد،شرط اساسی که ایشان‏ صریحا به آن اشاره نموده‏اند این است که:بخش پیشتاز باید بتواند بیشترین پیوندها و ارتباطها را در اقتصاد ایجاد کند.از این نظر بهترین بخش،بخشی است که بیشترین پیوندهای ما قبل و ما بعد را داشته باشد.اهمیت این شرط از این جهت است که در غیر این‏ صورت این بخش نقش محوری و نقش به دنبال خود کشاندن‏ بخشها و فعالیتهای دیگر را نخواهد داشت.شرط دیگری که به‏ صراحت عنوان نگردیده است اما از محاجه طرفداران«رشد نامتوازن»و طرفداران«رشد متوازن»،می‏توان آن را استنتاج کرد این است که،محصول بخش مورد نظر باید دارای بازار مطمئن و تضمین شده نیز باشد.طرفداران رشد متوازن معتقدند که اگر تنها به‏ توسعه یک بخش خاص توجه کنیم و تمام منابع را در جهت‏ توسعه آن بخش به کار گیریم ممکن است رکود سایر بخشها موجب فقدان تقاضای آنها برای بخش مورد نظر شده و در نتیجه‏ بخش مورد نظر را نیز دچار رکود کند بنابراین چنانچه بخش مورد نظر(قائلین به رشد نامتوازن)از بازار تضمین شدهء داخلی و خارجی نیز برخوردار باشد شرایط لازم و کافی را برای تبدیل‏ شدن به لوکوموتیو توسعه خواهد داشت.

پس از ذکر مقدمهء فوق و با عاریه گرفتن نظریهء«رشد نامتوازن» جالب خواهد بود که صنعت نفت و گاز کشور را از این منظر مورد بررسی قرار دهیم.با قدری دقت در فرآیندها و مسائل این صنعت‏ به خوبی روشن خواهد شد که صنایع نفت و گاز از بسیاری از شرایط لازم برای تبدیل شدن به قطب و محور توسعهء اقتصادی‏ کشور برخوردارند.این صنایع تولیدکنندهء حاملهای انرژی هستند و تجربهء بیش از 90 ساله کشور نشان می‏دهد که این حاملهای‏ انرژی همواره از بازار تضمین شدهء داخلی و نیز از بازار تضمین‏شدهء بین المللی برخوردار بوده‏اند.از طرف دیگر اکتشاف، حفاری،توسعه،بهره‏برداری و تجارت مستمر ذخایر نفت و گاز و فرآورده‏های آن مستلزم فعالیتهای گسترده‏ای است که باید در سایر بخشها و صنایع انجام شود.طراحی و ساخت تجهیزات‏ (سخت‏افزار)و نرم‏افزارهای مربوط به عملیات اکتشافی،طراحی‏ و ساخت نرم‏افزارها و انجام کلیهء عملیات مربوط به مدل‏سازی‏ مخازن نفت و گاز،و انواع قطعات و موادی که در عملیات حفاری‏ به کار میرود.طراحی و ساخت نرم‏افزارها و سخت‏افزارهای‏ مربوط به عملیات چاه‏پیمایی،طراحی و ساخت لوله‏های جداری‏ چاهها که متناسب با شرایط هر مخزن نفتی از نظر فشار و درجهء حرارت و... انجام می‏پذیرد.طراحی و ساخت تجهیزات سر چاهی‏ و لوله‏های جریانی انتقال نفت و واحدهای بهره‏برداری و واحدهای نم‏زدایی و غیره و غیره،بخشی از فعالیتهای است که‏ باید انجام پذیرد تا بهره‏برداری اولیه از نفت خام و گاز طبیعی‏ امکان پذیر گردد و پس از آن مراحل پالایش،انتقال،توزیع داخلی‏ و یا صادرات به بازارهای بین المللی مطرح خواهد بود که این‏ مراحل نیز به نوبه خود نیازمند کالاها و فعالیتهای متنوعی است و تجارت و بهره‏گیری مطلوب از ارزش افزوده بخشهای مختلف این‏ صنایع ئیدروکربوری نیز مستلزم مهارت و دانش است.حال سؤال‏ اصلی و مهم این است که آیا تاکنون چنین ارتباطی ما بین صنایع‏ ئیدروکربوری کشور و سایر بخشها و صنایع برقرار گردیده است؟ و اگر نه چرا؟

در پاسخ به این سؤالات باید اعتراف کرد که متأسفانه چنین‏ اتفاقی در کشور ما رخ نداده است.متأسفانه صنایع ما و دانشگاههای ما و بخشهای خدمات فنی ما حول صنعت نفت ما توسعه نیافته‏اند و اگر به این مقوله عمیق شویم،محل تأسف‏ خواهد بود،زیرا کشور ما از یک فرصت 90 ساله و از یک گستره‏ عظیم به وسعت بیش از یکصد پتانسیل ئیدروکربوری در این‏ رابطه برخوردار بوده است اگر مقایسه‏ای داشته باشیم،در منطقهء دریای شمال برای اولین بار در سال 1971 اولین حوزه‏های نفتی‏ اکتشاف گردیده و در سال 1975 برای اولین بار مورد بهره‏برداری‏ قرار گرفته است و تولید مستمر نفت این منطقه نیز هرگز از حدود 6 میلیون بشکه در روز فراتر نرفته است اما تمام سواحل شرقی‏ انگلستان و اسکاتلند که در حاشیهء این دریا قرار دارد و همچنین‏ سواحل غربی این دریا کانون دانش و صنعت و تکنولوژی نفتی‏ است.در حالی که علاوه بر صنعت ما دانشگاههای ما نیز با مقولهء نفت بیگانه‏اند.رشته‏های تخصصی خاص صنایع نفت در دانشگاههای ما توسعه نیافته است و هنوز نیازمند اعزام دانشجو به‏ خارج از کشور هستیم و در سایر رشته‏های دانشگاهی نیز توجهی‏ به این مقوله وجود ندارد به عنوان مثال در دورهء لیسانس در رشتهء اقتصاد که دانشجو مسائل متنوعی را فرا می‏گیرد تنها یک درس 2 یا 3 واحدی تحت عنوان اقتصاد نفت و نیرو در نظر گرفته شده که‏ متأسفانه آن نیز جزء دروس اختیاری است و این درس اختیاری‏ نیز در بسیاری از دانشکده‏های اقتصاد سالهاست که ارائه نگردیده‏ است نتیجه اینکه فارغ التحصیل رشتهء اقتصاد راجع به کالایی که‏ حیات اقتصادی کشور به آن وابسته است حتی حداقل اطلاعات را ندارد.سایر رشته‏های دانشگاهی نیز وضعیت بهتری ندارند.

حل مشکلی که ذکر آن رفت از توان بخش نفت و گاز کشور خارج است و نیازمند عزم و ارادهء ملی است.صاحب این قلم بر این باور است که هنوز هم برای به کارگیری چنین عزم و اراده‏ای‏ دیر نیست وجود ذخایر عظیم نفت و خصوصا گاز کشور و نیاز روز افزون داخلی و جهانی به نفت و گاز و برنامه‏های وسیعی که‏ برای حفظ و افزایش ظرفیتهای تولید وجود دارد و خواهد داشت‏ بستر مناسبی را در این رابطه فراهم می‏نماید متأسفانه در حال‏ حاضر وضعیت به گونه‏ای است که اگر چاره اندیشی اساسی در این‏ زمینه نکنیم،هر گونه تصمیم ما به توسعهء صنایع نفت و گازمان‏ برای صدها تولیدکنندهء کالا و خدمات در سایر نقاط جهان بازار، فعالیت و اشتغال ایجاد می‏کند و به عبارتی صنعت نفت ما لوکوموتیوی است که واگنهای صنعت و تجارت دیگران را به‏ حرکت در می‏آورد در حالی که اگر ما به موقع اقدام کرده بودیم‏ شاید امروز بیش از درآمد نفت را حاصل می‏نمودیم.خوشبختانه‏ امروز در بخش نفت بیش از گذشته عزم و اراده استفاده از تواناییهای داخلی وجود دارد و این زمینه و بستر مناسبی را فراهم‏ می‏کند که سایر بخشها باید به خوبی از آن بهره گرفته و این تأخیر تاریخی را جبران نمایند.در پایان لازم میدانم به چند نکتهء مهم که‏ اهمیت این بحث را مضاعف می‏نماید اشاره کنم:

1)با توجه به محدود شدن تدریجی تولید نفت در سایر نقاط دنیا و افزایش مستمر تقاضای جهانی،اتکاء آیندهء جهان بیش از پیش به نفت و گاز منطقهء خلیج فارس و پس از آن آسیای میانه‏ خواهد بود.بنا بر این بدون تردید سرمایه‏گذاریهای عظیمی در صنایع ئیدروکربوری این کشورها انجام خواهد شد و کشور ما از لحاظ جغرافیایی از موقعیت بی‏نظیری جهت استفاده از این‏ فرصتها برخوردار است.

2)فرآیندهای صنایع پتروشیمی توسعه یافته فرآیندهای بخش‏ پایین دستی صنایع نفت هستند و بسیاری از فن‏آوریها و اقلام‏ بخش پایین دستی صنایع نفت در صنایع پتروشیمی نیز کاربرد دارد و جهان نیز هر روز وابستگی فرون‏تری به محصولات‏ پتروشیمی داشته است.این مقوله نیز تضمین بازار در زمینهء مورد نظر را تقویت می‏کند.

3)اساسی‏ترین مشکل آینده خاورمیانه مقولهء آب است. تخصص‏ها،فن‏آوریها و اقلام و کالاهای مشترک فراوانی فیمابین‏ صنعت نفت و گاز و صنعت آب وجود دارد انتخاب خط مشی‏ها و استراتژیهای مناسب موجب خواهد شد که در طولانی مدت نیز از ظرفیتهایی که ایجاد می‏شود بهرهء مطلوب گرفته شود.